

# جام جم

فرهنگ، هنر و رسانه  
ویژه

در گفت وگویی «جام جم» با حسن بزرا، کارگردان عنوان شد

## زندگی حاج قاسم در یک نمایش نمی گنجد

صفحه ۱۱

گزارش «جام جم» درباره تأثیر نمایش های مردمی یک جشنواره بر رفع بحران توزیع سینمایی ایران

عمار؛ خروج از  
انحصار اکران



گفت وگویی مشروح «جام جم» با عوامل برنامه «فوتبال ۱۴۰»

نیامده ایم  
جای کسی را بگیریم



رسانه

۸

گزارش «جام جم» از سریال طنز تازه شبکه ۳

کرونایی با طعم  
بیست کوید



رسانه

۷

زاویه دید

سید احمد میرحسان | منتقد و نویسنده

درنگ

لطفا در سمت خوب تاریخ بایستید

روزگار غزه داستانی نیست که فقط مورد توجه هنرمندان فلسطینی یا جبهه مقاومت باشد. با مروری گذرا بر عملکرد هنرمندان سراسر جهان، می توان جبهه مقاومت در هنر را به گستره کره زمین وسعت بخشید. در دو سه ماه گذشته هنرمندان بسیاری با وجود مخالفت سیاستمداران کشورهای شان، به این تراژدی بزرگ عکس العمل نشان داده و در حمایت از مردم غزه از جان مایه می گذارند. آنها تهدیدها و تهمت ها را به جان می خرن، به اخراج ها و قوی نمی نهند و در مسیر مبارزه چون سدی استوار ایستاده اند تا آنجا که امروز سلاح مبارزه دیگر نه اسلحه، تانک، موشک و... که قلم و کلمه است.



در دو سه ماه اخیر جهان شاهد یک واکنش بزرگ از هنرمندان مقاومت بود که هریک به شیوه ای انزجار خود را نسبت به اسرائیل نشان دادند. از جیسن استاتهام ستاره سینما که پرچم فلسطین را روی خودروی خودش نصب کرد، دیلن تبری بازیگر فرانسوی که اعلام کرد حتی اگر شغلم را از دست بدهم ساکت نخواهم ماند و تا زمانی که بتوانم از مردم فلسطین دفاع می کنم تا قاطع همکاری با هنرمندانی همچون سوزان ساراندون، ملیسا باررا ستاره «جیج ۶»، بوشی رابلی، سیرا رانو، رچینا جکسون و... همه نشان از آن دارد که هنرمندان مقاومت همانند گروه های مسلح همسو، به هیچ وجه حاضر به فرودآوردن سر تسلیم در مقابل زور نیستند. لازارا، هنرمند کانادایی الاصل که نماینده فرانسه در بیرووین ۲۰۲۲ بود در جدیدترین حرکت هنرمندانه در مقابله با جنایات اسرائیل اقدام به راه اندازی کارزاری خواستار محرومیت اسرائیل از شرکت در مسابقات بیوروین به دلیل جنایاتی که در فلسطین انجام می دهد شد.

او در متنی که در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد نوشت: «چگونه می توانیم اقدام کنیم؟ ما فقط افراد ساده ای هستیم! نه، ما مردم هستیم، اگر متحد باشیم، قدرت داریم. بایبید اسرائیل را به دلیل نسل کشی ای که علیه فلسطینی ها مرتکب می شود ممنوع یارد صلاحیت کنید. این مطلب را در توئیتر، تیک تاک، اینستاگرام، فیسبوک و... به اشتراک بگذارید و بازشر دهید. بایبید شرارت را جشن نگیریم، بایبید در سمت خوب تاریخ باشیم...» زیباترین جمله زارا در این پست، دعوت از دنبال کننده هایش به «ایستادن در سمت خوب تاریخ» است.

و عمل مقاومت، ما با تبدیل امر واقعی فاجعه بار به امر نمایش در کنسرت ها و سالن های تماش و کاری از جنس سرگرمی بی خطر روبه رویم. مخاطبان، مردم اهل رزم و جهاد و ابتار نیستند، اغلب قشر مرفه و مدنی هستند که اوقات فراغت خود را می گذارند و از فاجعه، خوراک لذت و سرگرمی و تماشای بی خطر و وقت گذرانی هنری، فراهم آورده اند.

موسیقی مشروع و نامشروع

آیا این تفسیر باسخی دارد؟ دارد! نخست آن که هر هنری نمایش است و صحنه واقعی نیست، مهم آن است که در درجه اول ما را علیه حقیقت برمی انگیزد یا له آن؟ هر دو موسیقی مشروع و نامشروع از منظر، فقه نه فقط مدافع اسرائیل و جهان مستکبر جنایتکار نیست، بلکه آشکارا سوگ و افشای نظام قدرت ظلمانی است. مبتذل نیست، بلکه بدیع و هنرآفرینانه است. هرچند مخاطبان هر دو اقشار متوسط و بالایی جامعه باشند و به عنوان اوقات فراغت از این خوراک استفاده کنند. در همین حد باید گفت این آثار مُبلع ظلم نیستند، بلکه حداقل از مظلوم حرف می زنند و این تمایزشان با سرود انقلابی توده گیر و جهانگیر مانند آهنگ های انقلابی فلسطینی یا اسلام فرمانده است که اسلامی / انقلابی است و فراتر از حرف پیرشان عمل انقلابی و اسلامی است. نتیجه آن که حتی توجیه آن که آثار محبوب درباره غزه در فضای مدرن، انقلابی نیست، نمی تواند بهانه سستی ما در تولید آثار جذاب اسلامی / انقلابی جهانشمول باشد و کم کاری و روحیه بروکراتیک ما را توجیه کند.

پس استفاده از هنر منتفی است؟ نه! به هیچ وجه. اما هنر انقلابی، هنر برانگیختن و رشناخیز حس و خرد در خدمت مقاومت، میان توده مردم است. نه نمایش سرگرم کننده در کنسرت های گران قیمت با مخاطبان ثروتمند غرق جواهرات خیره کننده. آیا سرودهای آهنگران، کویتی پور و... در دفاع مقدس و کارکرد پیوستگی اش را با عمل سلحشورانه و شهادت به یاد دارید و متوجه نمایشش با کنسرت در سالن ها هستید.

البته قطعه ای را از امیر عید هم که مشروع خواندم و مشروعیت آن با صد چون و چرا و نقد تا حد نامشروعیت انقلابی می توان زیرسؤال برد. قطعه آهنگی غربی دارد و خواننده گیتار می نوازد و شعر مدرن زیبایی می خواند که برمی گردد به قضیه غزه و بازی قضیه و غزه در خواندن امیر عید هنرمندانه است. آدم به یاد موسیقی دهه ۶۰ فرانسه هم می افتد و نیز کمی شارل آرتناور... و بس درگیرکننده و مؤثر می خواند. پس مایک ماجرای کشتار و نسل کشی زنده و جاری در غزه داریم و یک نمایش آواز در کشور پیرامونی و جزئی از جامعه نمایش مدرن در سالی با زنان ثروتمند و جواهرات درخشان و مردان جنتملن که برای خواننده ترانه جمیل ابزار احساسات مجلل می کنند. این فضا تماشاگران را آماده جهاد می کند؟ یا جانشین روح و حس و حال و هوای عمل مقاومت، در تماشاگر غرق شده در مدرنیسم و خرافی درباره جنایت و مغروق جهان نمایش به بار می آورد؟



برش

این موسیقی انقلابی نیست

بدیهی است دلیل اشاره به تأثیر موسیقی خواننده مصری و لبنانی، در مقیاس جهان، پیشنهاد تقلید از وانموده مدرن نیست بلکه کار مستقل و امیل انقلابی و ترویج سرود انقلابی با معرفت اسلامی است. آیا این کنسرت ها خود به معنی خفه کردن صدای شجوه واقعی و هول و دهشت جنایت و رنج زدایی وانموده کرد، قضیه غزه و بازی بورژوازی نیست که مخاطبانش هم همان ها هستند؟ نه نیست؟ مصری های نامر زوزی همدوش فلسطینی ها می جنگیدند و اکنون برای شان در مجالس با شکوه ترانه های شکوهمند می خوانند! می بینید با زاویه دیدی انقلابی، خود کنسرت مرد هم چندان مشروعیت ندارد و وانموده ای است و جانشین واقعیتی فاجعه و درد و جسد زنده زدایی شده، وانموده و نمایشی برای غزه زدایی میدان نبرد و بدل کردنش به نمایش و پایان نبرد و کف زدن های حضار شیک در تاریکی، این هنر زیبا و تأثیرگذار انقلابی نیست. کاتارسیس و تخلیه گر شاید باشد اما انقلابی نیست.

خواننده بانویی است، البته گفتیم آن قطعه خود لهُو و لعب به حساب نمی آید. صدا و لحن جولیا بطروس محزون و کلام تراژیک و فاجعه بار است، حتی اگر سروده لهُو و لعب نباشد، زیرا جدا از تصویر و جدا از عزم حرمت آواز زن در مسیحیت از منظر اسلام، آواز جذاب و لو بانویی مسیحی از منظر مراجعی می تواند نامشروع تلقی شود و مصافق بر این جدا از احساسات انسانی بانوی مسیحی، نظام قدرت مدرن از این پدیده به عنوان وسوسه ای اسلام زدایانه از یک سو و جنگ نرم فرهنگی و القای فرهنگ مدرن و نفوذ آن در جامعه مسلمانان و هویت زدایی سود می جوید و در ارتباط با وجهه انقلابی

همدردی با غزه می کند. موسیقی مردمی امیر عید، جبران سازش دولت شان را کرده است و خواننده مسیحی لبنانی لالایی حماسی می خواند که طنینش در دنیا موج ایجاد می کند. درباره دو قطعه، مصری ولبنانی می خواهم سخن بگویم. قطعه ای آشروع و قلمه ای که به فتوایی نامشروع نیست و بانوی مسیحی جولیا بطروس به دینش گناهی مرتکب نشده و حتی شنیدن این موسیقی انقلابی که مصداق لهُو و لعب محسوب نمی شود بنا به نظر صاحبان فتوا برای مسلمانان حرام نیست. البته شاید برای عده ای از مؤمنان جای حرف دارد نه به خاطر کلام و آهنگ، بلکه نامشروع برای آن که

من از موسیقی ایرانی، چه سبک سنتی و چه سبک نوآمدش دلگیرم. من از نهاد های موسیقی دلخورم، من شرمندهم که آهنگسازان نامور ما این همه دچار کرختی روح شده اند. دیگر چه باید اتفاق بیفتد تا احساس انسانی حقیقی در رُفای ما به فریاد آید. دنیا به فریاد آمده اما ما با کاهلی یا روحیه ای اداری حق همراهی با مردم غزه در موسیقی را ادا نمی کنیم.

روحیه اداره کنندگان رسمی هم فشل و سرگرم انجام روتین کارهاست. باری به هر جهت! خواهش می کنم باز از حاج قاسم سردار مردم و از مجاهدت بزرگ و نقش بی سرو صدای سپاه عزتمند در ایستادگی برابر سلطه شیطانی قدرت های جهانی خرج نکند. شبیه مردم تازه به دوران رسیده ای نباشیم که عضو پولداری در خانواده دارند و مدام در هر لحظه برای افاده، تبلی، بی عملی، فقر و توجیه عدم انجام دادن تکلیف خود پای او را به میان می کشند. مردم سلیمانی و جوانان اهل ایمان سلیمانی و طایفه اهل جهاد کار خود را خوب نه، بلکه عالی بلدند و انجام می دهند، چه پیشا شهادت چه با شهادت و چه پسا شهادت. ما چه می کنیم. امروز همه مسائل با مسأله غزه گره خورده، کار هنر، رسانه، تبلیغ دیپلماسی سیاست خارجی و ظایف سینما، نیروی نظامی، کار منطقه ای و... و نهاد های هنری جمهوری اسلامی و اداره گران و مدیران بخش های مختلف فرهنگی هم باید کار خود را خوب انجام دهند. اگر نه دچار همین ناموزونی می شویم که هستیم.

ضعف در تولید محتوای مقاومت

ایران مهم ترین موتور محرک مقاومت مشهور است و آنگاه در عرصه مثلا تولید موسیقی انقلابی جذاب در مقیاس جهانی برای انتقال حس فاجعه، مظلومیت و شجاعت اهل غزه و آگاهی پیرامون درد و مقاومت برابر جنایت و اقتدار آنان دست روی دست گذاشته ایم و ضعیف کار می کنیم. ناموزونی یکی از مهم ترین حفره های پر آسیب جمهوری اسلامی است. ناموزونی یعنی آرمان جمهوری اسلامی ترویج عدم اسراف در مصرف باشد و تبلیغات شهری در خدمت توسعه جامعه مصرفی، این که عدالت شعار اصلی حکمرانی باشد و اصلاح قوه قضاییه را مردم حس نکنند و با هزار مشکل و حتی بند و بست روبه رو باشند و احیاناً هرگاهای باند ارتشایی لو بروند، یا باشد و لو نرود و مردم اعتمادی به مبارزه با فاسدان در قوای مملکتی نداشته باشند. ناموزونی یعنی در همه جهان نیروی سپاه پاسداران، شکوه دفاع علی وار از حق را زنده کند اما در میدان فرهنگ و هنر صدایی درنیاید و طبل خاموش باشد. صدای طبل همان فریاد هنر است و منظومر اشاره به نقش سرود و ترانه است.

موسیقی و همدردی با مردم غزه

مصر در سازش با اسرائیل در عمل دست جنایت را بازگذاشته اما یک قطعه موسیقی از این کشور، میلیون ها نفر را در جهان، دچار